

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد م. نسیم «اسیر»
شهر بن - المان
نومبر 1999م

گفت و شنود

گفتم دو چشم مست تو دلبر چه می کند
گفتا که تیر مژه من آفت دل است
گفتا لبم به خون تو آلوده کی شود
تو نام من به لب ز تکبر نمی بری
گفتا حرام باد ترا بوسه از لبم
گفتم دو ابروی تو که تیغی است آبدار
گفتا که حیف اگر شود آلوده تیغ من
گفتا رها کن آخر ازین ماجرا مرا
گفتم سرم فدای تو اسباب عشق چیست
گفتا تو حرف عشق به پیرانه سر مزین
گفتم به اخگری که نهفته است در دلم
گفتا چه تلخ ساخته ای خاطر مرا
گفتم اگر رها کنم آن زلف عنبرین
گفتا دل از تو کنده ام آزار من مکن
گفتم فدای چشم تو گردم اگر مرا
دیدم خموش ماند ز گفت و شنود من
از تیر مژه ساخته خنجر چه می کند
گفتم لب ت به خون دلم تر چه می کند
گفتم زخون دل زده ساغر، چه می کند
یک بوسه ام که هست مقدر چه می کند
گفتم حلال هست و مقرر، چه می کند
گر سر خورد بمن، بدل و سرچه می کند
با خون تو، بگفتمش آخر چه می کند
کاسباب عشق نیست برابر، چه می کند
این حرف بر زبان تو دلبر چه میکند
خاکسترت به باد شد، اخگرچه می کند
گردد اگر لب تو برابر چه می کند
این تلخی زبان مکرر چه می کند
دل را که کرده است مسخرچه می کند
برگشته چشم من ز تو بنگر چه می کند
سازد رها ز چنگ تو، دیگر چه می کند
عاقل ازین معامله بهتر چه می کند

آن سنگ دل «اسیر» اگر دشمنی کند

دنیا گذشتنی است به محشر چه می کند